

## قلب ما چگونه به قلب شیطانی تبدیل شده و چرا شبیه شیطان می شویم؟

### آیا قلب شیطانی فقط یک استعاره است یا می توان حقیقتاً شبیه به شیطان شد؟

شاید تا امروز فکر می کردید قلب شیطانی تنها یک استعاره ادبی برای نشان دادن نهایت بدذاتی افراد است، اما جالب است بدانید که قلب شیطانی یک حقیقت جاری در عالم خلقت است. یعنی ریاضیات خاصی وجود دارد که اگر عملکرد ما با آن هماهنگی نداشته باشد؛ قلب ما به مرور از دایره انسانیت خارج شده و وارد حیطه قلب شیطانی می شویم.

شاید شما هم در زندگی خود با افرادی برخورد داشته اید که هیچ بویی از انسانیت نبرده اند. یا احتمالاً شنیده اید که می گویند «فلانی شیطون رو هم درس مید!» اما چه طور می شود که ما شبیه شیطان می شویم؟ قلبی که محل و جایگاه معشوق اصلی ما یعنی الله است، به شیطان تعلق می گیرد و ما به جای شبیه شدن به خدا سرسپردگی شیطان را انتخاب می کنیم؟

در درس های گذشته متوجه شدیم که قلب همه هستی ما در آخرت است؛ پس ما به قلب احتیاج داریم، اما نه هر قلبی! تنها قلب سالم است که در نهایت به کارمان می آید. قلب می تواند تحت تأثیر هر کدام از ابعاد وجودمان قرار گرفته و از حالت انسانی خود خارج شود و قلبی که با تغذیه نادرست شبیه سنگ و جماد یا گیاه و حیوان می شود، شباهتی به قلب سلیم ندارد. قلب تنها بخش از وجود ماست که از جنس بی نهایت است، بنابراین برای آن حد و مرزی وجود ندارد. همان طور که می تواند تا بی نهایت پیش رفته و خود را شبیه الله کند، توان این را دارد که در جهت عکس آن حرکت کرده و تبدیل به یک قلب شیطانی شود. اما سؤال اینجاست که چگونه این اتفاق می افتد؟ شبیه شیطان شدن چه روندی دارد و مهمترین ویژگی های یک قلب شیطانی چیست؟

## تفاوت قلب انسانی و قلب شیطانی

در پاسخ به این سوال که چگونه قلب ما از حالت انسانی به قلب شیطانی استحاله پیدا می‌کند؛ باید بگوییم که قلب ما مانند ظرفی عمل می‌کند که جایگاه معشوق‌های ماست. ما متناسب با این که کدام معشوق را برای قلبمان انتخاب کرده ایم، به آن سر و شکل می‌دهیم. اگر در چینش معشوق‌ها و اولویت‌های قلبمان دقت کنیم، تبدیل به قلب سلیمی می‌شود که ابزار حرکت ما در ابدیت خواهد بود.

قلب سالم الله را به عنوان معشوق اصلی خود می‌پذیرد و رابطه‌ی سایر معشوق‌هایش را متناسب با خواسته‌های معشوق اصلی و بی‌نهایت خود تنظیم می‌کند. اما با چینش نادرست آرزوها، میل‌ها و خواسته‌هایمان به جای یک قلب سالم صاحب یک قلب مریض خواهیم شد، که قطعاً در مقابل تهدیدها و خطرات بیرونی از خود مقاومت کمتری نشان داده و آسیب‌پذیری بیشتری خواهد داشت.

قلب ضعیف از آنجایی که توان و اراده‌ای برای مبارزه ندارد، باری به هر جهت است و بسته محیطی که در دنیا برای خود ایجاد کرده، ممکن است به هر سویی برود، خود را تسلیم خواسته‌های شیطان کرده و در نهایت هم شبیه شیطان شود. یک قلب مریض، راحت‌تر از پای در می‌آید و از پای در آمدن قلب هم به معنی نرسیدن به هدف خلقت است؛ در واقع قلب مریض به دلیل فاصله‌ای که از معشوق اصلی خود می‌گیرد، از حال تعادل خارج می‌شود و بسته به میزان این عدم تعادل راه را برای سقوط از صراط مستقیم و تبدیل شدن به قلب شیطانی فراهم می‌کند.

## شیطان چگونه قلب ما را تغییر می‌دهد؟

حالا سؤال اینجاست که آیا ما به محض خروج از تعادل شبیه شیطان می‌شویم؟ قاعدتاً پاسخ منفی است. نه پیدا کردن قلب شیطانی امری است که یک شبه و به یک باره اتفاق بیفتد و نه شیطان اینقدر ابله است که بخواهد ما در بست تسلیم و فرمان بردار خواسته‌هایش شویم؛ در واقع روند شباهت به شیطان به

کسب‌ها و تغذیه‌های قبلی ما بستگی دارد. شیطان برای انحراف ما بی‌گدار عمل نکرده و از دستگیره‌هایی که برایش در ابعاد مختلف نفسمان فراهم کرده‌ایم، استفاده می‌کند؛ در حقیقت از دری وارد می‌شود که می‌داند در آن ضعف داریم و در نتیجه امکان رسیدن به نتیجه برایش وجود دارد. قاعدتاً شیطان برای یک فرد مذهبی معمولی بر روی گناهانی مثل قتل و خوردن مشروب سرمایه‌گذاری نمی‌کند. او برای هر یک از ما نقشه و برنامه‌ای جداگانه دارد. برنامه‌ای که متناسب با چینش و اولویت بندی ابعاد مختلف وجود ماست؛ درست مثل حریفی که برای شکست طرف مقابل و حذف او از دور مسابقات برنامه ریزی می‌کند. با این تفاوت که هدف نهایی شیطان سقوط ما از صراط مستقیم، سر سپردن به خواسته‌هایش و ساختن یک قلب شیطانی است.

هدف ما در صراط مستقیم، شباهت به الله و کسب اسماء و صفات اوست. اما می‌دانیم که برای هر یک از صفات دو جنبه وجود دارد؛ یکی خود صفت که فضیلت محسوب می‌شود و دیگری جهت عکس آن که به عنوان رذیلت شناخته می‌شود. یعنی همان طور که می‌توانیم به صفت جواد برسیم، می‌توانیم در جهت عکس آن حرکت کرده و صفت بخل را به عنوان یک رذیله در خودمان پرورش دهیم. به همین ترتیب می‌توانیم هادی (هدایت کننده) و یا برعکس آن مضل (گمراه کننده) شویم، مهربان و یا سنگدل شویم و... و نکته اینجاست که ما در مسیر حرکت انسانی خود مدام در حال شدن و کسب دارایی هستیم و هیچ حالت خنثی یا توقفی وجود ندارد؛ یعنی در هر موقعیت یا جنبه نورانی آن را دریافت کرده و به سمت اسماء و صفات الهی حرکت می‌کنیم و یا در مسیر عکس آن قدم برداشته، جنبه ناری آن را انتخاب کرده و روی دل خود را به سمت شیطان می‌کنیم. به عبارت دیگر بسته به کسب‌ها و انتخاب‌هایمان یا شبیه خدا می‌شویم و یا شبیه شیطان.

اگر شیفته کمالات هر یک از ابعاد پایینی یا حتی عقلی وجودمان هستیم و زندگی خود را بر محور آن چیده‌ایم؛ در حقیقت به شیطان راه مسلط شدن بر خود را نشان داده‌ایم. فردی که مدام به دنبال تجملات، خانه زیباتر و مجلل‌تر، ماشین لوکس‌تر و وسایل فاخرتر است، ورودی قلب خود را به شیطان نشان داده

است و در صورت دنبال کردن وسوسه های شیطان، با دست خود امکان سقوط و نابودی اش را فراهم می کند.

### آیا شیطان می تواند بر من مسلط شود؟

اگر در کسب ها، انتخاب ها و چینش معشوق هایمان دقت نکنیم، هر کمال و عاملی می تواند باعث شیطانی شدن قلب ما شود. شیطان از هر فرصت و امکانی از جمله کمالات مقدس برای خروج ما از صراط مستقیم استفاده می کند، اما به خودی خود تسلطی بر ما ندارد. این ما هستیم که راه و محل سرمایه گذاری را به او نشان می دهیم، به دنبال او می رویم و آرام آرام قلب خود را در اختیار او قرار می دهیم.

اصولاً خدا سیستم خلقت را طوری طراحی کرده که هیچ عامل خارجی ای نمی تواند خود به خود بر انسان مسلط شود؛ خود ما هستیم که زمینه را آماده کرده و [شرایط تسلط](#) را فراهم می کنیم؛ به عبارت دیگر، نوع تغذیه و خوراک هایی که برای قلبمان فراهم کرده ایم، خیال هایی که پرورش داده ایم و آنچه در ابعاد مختلف وجودمان کسب کرده ایم، زمینه را برای پذیرش وعده ها و وسوسه های شیطان فراهم می کنند.

شیطان خناس است، یعنی شیوه اش این است که می گوید و پنهان می شود. با توجه به ساختار وجودی و ضعف های نفس ما موضوعی را مطرح می کند؛ اگر نسبت به آن تمایلی نشان داده و به دنبال آن رفتیم، قدم بعدی را برداشته و جلوتر می آید. آرام و بی صدا در انجام این کار مداومت می کند تا کم کم ذائقه ما را تغییر دهد. تا جایی که چشم باز کرده و می بینیم که شبیه شیطان شده و قلب خود را تسلیم او کرده ایم. نوع نگاه، کلماتی که استفاده می کنیم و طرز رفتارمان به گونه ای تغییر کرده که حتی به عاملی برای گمراهی و انحراف دیگران هم تبدیل گشته ایم.

## تشخیص قلب شیطانی

حتماً برایمان سؤال شده که راه تشخیص قلب شیطانی چیست یا از کجا بفهمیم که شبیه شیطان شده ایم؟ اگر با ساختار چینش معشوق‌ها و نظام محبتی آشنا باشیم، فهمیدن این مسئله کار مشکلی نیست. چون هر کار یا فکری که رابطه ما را با معشوق اصلی یا خانواده آسمانی مان خراب کند، الهی نبوده و از سمت شیطان است؛ حتی اگر به عنوان کاری مثبت و مقدس شناخته شود. یعنی اگر گرایش‌های قلبی ما در حال رفتن به سمتی ست که با خواسته‌ها و انتظارات معشوق اصلی مان در تضاد است؛ پس روی دلمان به خدا نیست و به سمت کسب قلب شیطانی پیش می‌رویم.

البته خوب است بدانیم مادامی که قلب ما دچار قساوت نشده، هنوز راه بازگشتی وجود دارد. قلب شیطانی اگرچه از خطرناک‌ترین انواع قلب و مظهر اسم مصل خداست، اما امکان دارد که بر اثر تلنگری متحول شده و به سوی خدا برگردد.

در این مقاله گفتیم که چه طور ممکن است شبیه شیطان شویم. روند شباهت با شیطان و کسب قلب شیطانی امری یک باره نبوده و ناشی از کسب‌های قبلی ماست. شیطان برای جذب ما از دستاویزهایی که در ابعاد مختلف وجود خود برایش فراهم کرده ایم، استفاده کرده و در صورت دیدن میل و اشتیاق در ما به مرور در قلبمان نفوذ می‌کند؛ تا جایی که چشم باز کرده و خود را تسلیم و فرمانبردار او می‌بینیم. بد نیست قبل از مطالعه درس بعدی نوع واکنش‌های خود در اتفاقات گوناگون را مرور کرده و برآیند حرکت خود را بررسی کنیم؛ روی قلب ما به کدام سمت است؟